

مصرف و درآمد خانوارهای ایرانی طی ادوار زندگی^۱

فرزانه انواری^{*}، سجاد برخوردار^{**}، محسن مهرآرا⁺

DOI:10.30495/ECO.2023.1991316.2767

<p>چکیده</p> <p>این مقاله با بهره‌گیری از رهیافت برنامه‌ریزی پویا و با استفاده از آمار و اطلاعات حاصل از هزینه و درآمد خانوارهای ایرانی در چارچوب نظریه چرخه ادوار زندگی مودیگلیانی و برومبرگ (۱۹۵۴) به بررسی روند مصرف و درآمد ادوار زندگی خانوارهای ایرانی در قالب دو نسخه معادل اطمینان کامل (CEQ) و بافراستاک (عدم وجود اطمینان کامل) از نظریه درآمد دائمی فریدمن و به تفکیک گروه‌های تحصیلی و حرف شغلی مختلف می‌پردازد. نتایج نشان داد که در تمامی این روندها تا قبل از ۴۵ سالگی نمودار مصرف و درآمد کاملاً از یکدیگر تبعیت می‌کنند؛ از این‌رو، در نسخه CEQ از نظریه درآمد دائمی تا ۴۵ سالگی صادق است و می‌تواند روند مصرف و درآمد خانوارهای ایرانی را به‌خوبی توضیح دهد. تغییر رفتار مصرفی خانوارهای ایرانی پس از ۴۵ سالگی نشان‌دهنده تغییر ترجیحات و نااطمینانی درآمدهای آتی است؛ به‌طوری‌که نمودار مصرف و درآمد پس از ۴۵ سالگی را تنها می‌توان با مدل‌هایی که نااطمینانی را لحاظ می‌کنند (نسخه بافراستاک) توضیح داد. همچنین، نتایج نشان داد خانوارهای ایرانی تا ۴۵ سالگی با انگیزه احتیاطی پس‌انداز می‌کنند؛ پس از ۴۵ سالگی انگیزه احتیاطی برای پس‌انداز تضعیف می‌شود و با تغییر ترجیحات و نوع نااطمینانی، انگیزه تامین مالی مخارج دوران بازنشستگی برای پس‌انداز تقویت می‌گردد و پس از ۶۵ سالگی با انگیزه ارث‌گذاری به پس‌انداز اقدام می‌کنند.</p>	<p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۲</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۵</p> <p>طبقه‌بندی JEL: D12, D31, D91, E21</p> <p>واژگان کلیدی: مصرف، درآمد، پس‌انداز، ارثیه‌گذاری، نااطمینانی و اطمینان کامل.</p>
---	---

^۱ این مقاله مستخرج از رساله دکتری فرزانه انواری به راهنمایی دکتر سجاد برخوردار و مشاوره دکتر محسن مهرآرا در دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران است.

farzaneh.anvari.r@gmail.com

^{*} دانشجوی دکتری اقتصاد، گروه اقتصاد، دانشگاه تهران، تهران، ایران، پست الکترونیکی:

barkhordari@ut.ac.ir

^{**} استادیار، گروه اقتصاد، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، پست الکترونیکی:

mmehrra@ut.ac.ir

⁺ استاد، گروه اقتصاد، دانشگاه تهران، تهران، ایران، پست الکترونیکی:

۱. مقدمه

هدف اصلی مطالعه کنونی بررسی رفتار مصرف‌کننده ایرانی طی ادوار زندگی است. با توجه به تحریم‌های جهانی علیه ایران، درآمد نیروی کار با عدم قطعیت‌های شدید مواجه شده که به شوک‌های دائمی و گذرا به درآمد نیروی کار منجر شده است. در نظریه رفتار مصرف‌کننده ناطمینانی بحثی است که مورد توجه بخش قابل توجهی از مطالعات قرار گرفته است. بنابراین، در شرایط کنونی اقتصاد ایران که ناطمینانی و شوک‌های دائمی و گذرا همواره وجود دارند، بررسی اثر این ناطمینانی بر رفتار مصرف‌کننده در تحلیل‌های خرد و کلان به‌ویژه در بررسی اثر مالیات‌ها بر وضعیت رفاهی و رفتار مصرفی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

از طرف دیگر اقتصاد ایران طی سال‌های اخیر با شوک‌های متعددی مواجه شده است که نتیجه آن، کاهش درآمد حقیقی و پیرو آن، تغییر رفتار مصرف و پس‌انداز خانوارها و نیز تغییر ترجیحات مصرف‌کننده بوده است؛ از این‌رو، بررسی نمودار درآمد و مصرف خانوارهای ایرانی در شناخت رفتار مصرف‌کنندگان و ارائه راهکارهای سیاستی مناسب اهمیت می‌یابد.

رفتار مصرفی خانوار طی ادوار زندگی علاوه بر نمودار مصرف به موقعیت نسبی نمودار مصرف و درآمد نیز بستگی دارد. رفتار مصرفی خانوارها و انگیزه پس‌انداز در بازه‌های سنی مختلف متفاوت است. مطابق نظریه «چرخه ادوار زندگی»^۱ مودیگلیانی و برومبرگ^۲ (۱۹۵۴) افراد (خانوارها) در سه دوره مختلف زندگی، سه نوع رفتار متفاوت از مصرف و پس‌انداز نشان می‌دهند که مطالعات بنیادی نظیر گرونیکاس و پارکر^۳ (۲۰۰۲)، کرول^۴ (۱۹۹۷) دیتون^۵ (۱۹۹۱) و کیمبال^۶ (۱۹۹۰) به تبیین و تمیز انواع انگیزه‌های پس‌انداز پرداخته‌اند.

بر اساس مطالعه کرول (۱۹۹۷) انگیزه افراد از پس‌انداز در سنین پایین و آغاز زندگی یک انگیزه احتیاطی و عمدتاً برای پوشش ناطمینانی‌های درآمدی آینده و هموار کردن مصرف است که این نظریه با عنوان «نسخه بافراستاک»^۷ درآمد دائمی فریدمن^۸ (۱۹۵۷) مشهور شده است. مطالعات کیمبال (۱۹۹۰) و دیتون (۱۹۹۱) به تبیین انگیزه پس‌انداز در دوره دوم زندگی و پیش از بازنشستگی پرداخته‌اند. در این مطالعات، انگیزه پس‌انداز پیش از بازنشستگی، تامین مخارج دوران بازنشستگی بیان شده است. دسته سوم، مطالعاتی نظیر موک^۹ (۲۰۱۰)، آمریکس و همکاران^{۱۰} (۲۰۱۰) و گرونیکاس و پارکر (۲۰۰۲) به تبیین انگیزه پس‌انداز در دوران بازنشستگی پرداخته‌اند. این مطالعات، انگیزه ارثیه‌گذاری را انگیزه غالب در پس‌انداز پس از بازنشستگی دانسته‌اند. یکی از اهداف مطالعه کنونی این است که با بهره‌گیری از رهیافت گرونیکاس و پارکر (۲۰۰۲) به بررسی نمودار مصرف و درآمد خانوارهای ایرانی جهت تعیین بازه‌های سنی مختلف برای سه نوع انگیزه پس‌انداز یادشده بپردازد. تبیین چنین روندی می‌تواند در سیاست‌گذاری‌های

¹ Life-cycle² Modigliani and Brumberg³ Gourinchas and Parker⁴ Carroll⁵ Deaton⁶ Kimball⁷ Buffer Stock⁸ Friedman⁹ Mok¹⁰ Ameriks

کلان اقتصادی برای تغییر الگوی مصرف (اعم از سیاست‌های مالیاتی و سیاست‌گذاری رشد اقتصادی) و نیز تعیین گروه‌های هدف سیاست‌گذار مفید باشد.

در سیر تکاملی اندیشه اقتصادی درباره نظریات مصرف، دو دسته مطالعات وجود دارند که با ترکیب نظریه درآمد دائمی فریدمن (۱۹۵۷) و نظریه چرخه ادوار زندگی مودیگلیانی و برومبرگ (۱۹۵۴) به رویه‌های جدیدی از نظریات مصرف رسیده‌اند که یکی دیگر از اهداف مطالعه کنونی تبیین سازگاری نتایج حاصل از این مطالعه در قالب رویه‌های مذکور است. کرول (۱۹۹۷) و دیتون (۱۹۹۱) به تبیین نسخه اطمینان کامل (CEQ)^۱ و بافراستاک از درآمد دائمی فریدمن پرداخته‌اند که نتایج حاصل از این مطالعه در قالب این دو رویه بررسی خواهد شد.

در نسخه CEQ از نظریه درآمد دائمی، در مورد درآمدهای آتی نااطمینانی وجود ندارد و خانوار از میزان درآمدهای آتی اطمینان کامل دارد. این نظریه پیش‌بینی می‌کند که نرخ رشد مصرف در تمامی ادوار زندگی (کاری) ثابت است و مصرف از درآمد پیروی می‌کند (کرول، ۱۹۹۷). در نسخه بافراستاک از نظریه درآمد دائمی فریدمن، نااطمینانی درآمدهای آتی مدنظر قرار می‌گیرند و نرخ رشد مصرف در ادوار مختلف زندگی ثابت نیست و متناسب با توزیع شوک‌های واردشده، تغییر می‌کند. بر اساس نتایج مطالعه گرونیکاس و پارکر (۲۰۰۲)، اگر نمودار مصرف و درآمد بر اساس بعد خانوار، گروه تولد و سال جمع‌آوری اطلاعات آماری تعدیل گردد، آنچه از نمودار باقی می‌ماند منعکس‌کننده ترجیحات و میزان نااطمینانی خواهد بود که مصرف‌کننده با آن مواجه است. بر این اساس، تغییر رفتار مصرفی خانوارها نشان‌دهنده تغییر ترجیحات و نااطمینانی درآمدهای آتی است؛ به‌طوری‌که تغییر روند نمودار مصرف و درآمد (پس از ۴۵ سالگی در خانوارهای ایرانی و پس از ۳۵ سالگی در خانوارهای امریکایی) را تنها می‌توان با مدل‌هایی که نااطمینانی را نیز لحاظ می‌کنند، توضیح داد. نسخه بافراستاک نظریه درآمد دائمی که انگیزه پس‌انداز مصرف‌کننده را یک انگیزه احتیاطی برای هموار کردن مصارف آتی می‌داند، برای تبیین این بخش از نمودار مصرف و درآمد مناسب‌تر است. بدین ترتیب، پیشبرد تجربی این مطالعه در بهره‌گیری از دو نظریه مصرف CEQ و بافراستاک در تبیین روند درآمد و مصرف خانوارهای ایرانی است که این امر در سه گروه تحصیلی مختلف و برای چهار حرفه شغلی گوناگون (جدول ۳) تحقق یافته است.

برای دستیابی به اهداف، مقاله در پنج بخش سازمان‌دهی می‌شود: در ادامه، در بخش دوم، ادبیات پژوهش مرور می‌شود؛ در بخش سوم روش پژوهش بررسی می‌شود؛ در بخش چهارم، یافته‌های پژوهش عرضه می‌شود و بخش پنجم هم به نتیجه‌گیری و پیشنهادها اختصاص دارد.

۲. مروری بر ادبیات

چهارچوب نظری این مقاله را دو نظریه «مصرف ادوار زندگی مودیگلیانی و برومبرگ (۱۹۵۴)» و نظریه «درآمد دائمی فریدمن (۱۹۵۷)» و مطالعاتی چون کرول و همکاران (۱۹۹۱) و گرونیکاس و پارکر (۲۰۰۲) تشکیل می‌دهند. نظریه درآمد دائمی فریدمن (۱۹۵۷) و مصرف ادوار زندگی مودیگلیانی و برومبرگ (۱۹۵۴) توسط محققان بسیاری بازنگری

¹ Certainty Equivalent

شده‌اند؛ به طوری که نظریه مصرف ادوار زندگی در دنیای اقتصاد امروزی با فرضیه انتظارات عقلایی^۱ میوث^۲ (۱۹۶۱)، محدودیت نقدینگی و استقراض دیتون (۱۹۹۱) و کرول (۱۹۹۷) تعدیل شده است.

لوساردی (۱۹۹۶)^۳ و دیتون (۲۰۰۵) همانند آتاناسیو (۱۹۹۹)^۴ در حوزه مصرف ادوار زندگی و نظریه درآمد دائمی مطالعات انجام شده را مرور کرده‌اند. آتاناسیو (۱۹۹۹)، لوساردی (۱۹۹۶) و دیتون (۲۰۰۵) در مطالعات خود نشان داده‌اند که مطالعاتی که به صورت تجربی این دو نظریه را بررسی کرده‌اند، ابتدا به صورت داده‌های تجمیع شده (کلان) انجام شده‌اند. کمبل و منکیو (۱۹۸۷)^۵ به بررسی نظریه درآمد دائمی فریدمن با استفاده از داده‌های فصلی ایالات متحده برای دوره ۱۹۴۸-۱۹۸۵ پرداخته‌اند. در این مطالعه نشان داده شده که بخش معنی داری از خانوارها به جای درآمد دائمی، درآمد جاری خود را مصرف کرده‌اند که موید عدم تایید نظریه درآمد دائمی فریدمن بود.

پس از این سری مطالعات که با داده‌های کلان سعی در اثبات یا رد دو نظریه مذکور داشتند، مطالعات انجام شده روی داده‌های فردی متمرکز شد. مهم‌ترین منبع داده‌های فردی در مورد مصرف افراد مربوط می‌شد به اطلاعات حاصل از مطالعه پنل پویایی‌های درآمد^۶؛ اما بنابر کاستی‌های این سری داده‌ها، مطالعات بعدی روی اطلاعات آماری حاصل از مطالعه مخارج مصرفی^۷ متمرکز شد. لوساردی (۱۹۹۶) معایب و مزایای هر یک از این داده‌ها را بررسی کرده است.

رفتار مصرف و پس‌انداز خانوار مسئله‌ای است که هم در سطح خرد و هم کلان در ادبیات اقتصادی مطرح شده است و عموماً با تبیین چارچوب خرد اقتصادی به گسترش مسئله به‌عنوان مسئله سیاست‌گذاری و تجمیع رفتار مصرف‌کنندگان خرد به استنتاجات کلان اقتصادی منتج شده است؛ به‌عنوان مثال‌هایی برجسته از چنین مطالعاتی می‌توان به مطالعات دیتون (۱۹۹۱)، آتانسیو و برونینگ (۱۹۹۳) برونینگ و لوساردی (۱۹۹۶)، هال و سارجنت^۸ (۲۰۱۸) و کرول (۲۰۲۰) اشاره کرد.

دیتون (۱۹۹۱) به بررسی ارتباط پس‌انداز و محدودیت نقدینگی در مصرف ادوار زندگی پرداخته و با بررسی رفتار مصرف‌کننده نوعی که با محدودیت نقدینگی مواجه است، به حل مسئله سیاست‌گذار اقتصادی-اجتماعی پرداخته که با تبیین روابط هم‌جمعی میان مصرف‌کنندگان خرد (در این مطالعه رفتار سرپرست خانوارها به‌عنوان حقایق تجربی ارائه شده است) به نتایج کلان و سیاست‌گذاری کلان اقتصادی دست یافته و مسئله محدودیت نقدینگی را به‌عنوان یک قید برونزا بررسی کرده است. کرول در کارهای آتی (۱۹۹۷؛ ۲۰۱۱؛ ۲۰۲۰) و انواری و همکاران (۲۰۲۲) محدودیت نقدینگی که دیتون (۱۹۹۱) به صورت برونزا در مدل‌سازی وارد کرده است، درونزا کرده‌اند و رفتار مصرف‌کننده را به‌گونه‌ای تبیین کرده‌اند که خود مصرف‌کننده تنها براساس ارزش حال تنزیل شده منابع در دسترس مصرف می‌کند. کرول (۱۹۹۷، ۲۰۲۰) با گسترش مفهوم پس‌انداز نوسان‌گیر که ابتدا در نظریات فریدمن مطرح شده به این مهم دست یافته است.

¹ Rational Expectations

² Muth

³ Lusardi

⁴ Attanasio

⁵ Campbell and Mankiw

⁶ Panel Study of Income Dynamics (PSID)

⁷ Consumption Expenditure Survey (CEX)

⁸ Hall and Sargent

درخصوص «جامعه مصرف‌کننده» یکسری مطالعات نظیر آلکساندره و همکاران^۱ (۲۰۱۹)، گرن^۲ (۲۰۰۷) و مولباور^۳ (۲۰۰۸) انجام شدند که به بررسی ارتباط متقابل «محدودیت اعتباری» و «رفتار ادوار زندگی» پرداختند. گرن^۲ (۲۰۰۷) به برآورد تجربی محدودیت اعتباری خانوارهای آمریکایی پرداخت (که بعدها توسط کرول تکمیل شد و توسعه یافت). مولباور (۲۰۰۸) بر وجود یا عدم وجود محدودیت اعتباری خانوارها متمرکز شد و به بررسی این مسئله پرداخت که آیا خانوارها واقعا با چنین محدودیت‌هایی مواجه هستند یا خیر. نتایج نشان داد که محدودیت اعتباری در بسیاری از خانوارها وجود دارد و تنها بخش اندکی از خانوارها با چنین محدودیت‌هایی (در سطح مصرفی) مواجه نیستند. مسائل مطرح شده توسط گرن^۲ (۲۰۰۷) و مولباور (۲۰۰۸) از لحاظ اصل مسئله با مسائل مطرح شده توسط دیتون (۱۹۹۱) و کرول (۱۹۹۷) تفاوتی نداشت؛ اما با نظریه بنیادی مودیگیلیانی و برومبرگ (۱۹۵۴) تفاوت‌های محسوسی داشت. مودیگیلیانی و برومبرگ (۱۹۵۴) فرض کرده بودند که فرد می‌تواند به راحتی قرض بگیرد و در نتیجه، قید محدودیت نقدینگی را کنار گذاشته بودند؛ اما گرن^۲ (۲۰۰۷) و مولباور (۲۰۰۸) با آوردن شواهد تجربی مبنی بر وجود چنین محدودیت‌هایی در جهان واقعی این مسئله را دوباره مطرح کردند. کرول (۱۹۹۷) چنین نظریه‌ای را برای رفتار مصرف‌کننده تبیین کرده است؛ اما شواهد تجربی برای آن ارائه نداده بود و با مطرح شدن دوباره مسئله محدودیت اعتباری توسط گرن^۲ (۲۰۰۷) و مولباور (۲۰۰۸)، کرول و همکاران (۲۰۱۵) به بررسی این مسئله در سطح خرد پرداختند و به نتایج مشابه گرن^۲ (۲۰۰۷) و مولباور (۲۰۰۸) (در سطح خرد) دست یافتند.

دسته دیگری از مطالعات برانگیزه ارثیه‌گذاری مصرف‌کننده متمرکز شده است. در اکثر مطالعات تجربی به دلیل اینکه تمیز بین «پس‌انداز بانگیزه احتیاطی» و «پس‌انداز بانگیزه ارثیه‌گذاری» دشوار است، فرض می‌کنند که مصرف‌کننده تنها یکی از این انگیزه‌ها را دارد. معمولا، در مطالعات تجربی (و حتی نظری) انگیزه ارثیه‌گذاری کنار گذاشته می‌شود؛ زیرا در اکثر اوقات نمی‌توان دقیقا مشخص کرد که فرد آگاهانه و با قصد قبلی ارثیه برجای گذاشته است (چون ممکن است با وقوع یک حادثه و به‌طور ناگهانی فوت کند) یا ارثیه‌ای که از فرد برجای مانده تصادفی بوده است. در این حوزه می‌توان از مطالعات موک^۴ (۲۰۱۰) و آمریکس و همکاران^۵ (۲۰۱۰) نام برد.

دسته آخر مطالعات در حوزه رفتار مصرف‌کننده به اثر متقابل رفتارهای اجتماعی بر رفتار مصرف‌کننده مربوط می‌شود. رفتار متقابل مصرف‌کنندگان در مطالعات مانسکی^۶ (۲۰۰۰)، کووان و همکاران^۷ (۲۰۰۴) و بایندر و پسران^۸ (۲۰۰۱) بررسی شده است و نتایج این مطالعات نشان می‌دهد که تحت شرایط خاصی رفتار مصرف‌کنندگان بر رفتار سایر مصرف‌کنندگان هم‌خوشه تاثیر می‌گذارد.

¹ Alexandre
² Grant
³ Muellbauer
⁴ Mok
⁵ Ameriks
⁶ Manski
⁷ Cowan
⁸ Binder

جدول ۱. اهم مطالعات پیشین

مطالعات خارجی و داخلی		
نام و سال	رهیافت تحقیق	نتایج
ابوت و گالیپولی ^۱ (۲۰۲۲) و آتانسیو و باروینگ (۱۹۹۳)	تلاش کرده‌اند رفتار ادوار زندگی خانوار را در قالب «بررسی حساسیت مصرف به درآمد» در ادوار تجاری توسعه دهند.	در این مطالعات تاکید عمده بر میزان ریسک‌گریزی نسبی مصرف‌کننده و محدوده‌ای است که می‌توان از لحاظ تجربی متصور شد.
گالی و روزنبلات-ویس ^۲ (۲۰۲۲)	از آنجاکه داده‌های تفکیک‌شده در مورد مخارج خانوار، به‌ویژه در قالب پنل، کم‌یاب است، آنها با استفاده از داده‌های مالیاتی به کسب جریان‌های درآمد و مؤلفه‌های ثروت برای همه مالیات‌دهندگان فردی در ایالت برن ^۳ سوئیس بین سال‌های ۲۰۰۲ - ۲۰۱۶ پرداختند.	رفتار مصرف و پس‌انداز در ویژگی‌های متنوع خانوار متفاوت است و نابرابری مصرف و درآمد بین سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۱۶ نسبتاً ثابت است؛ اما در طول چرخه زندگی، نابرابری مصرف و درآمد تغییر می‌کند: نابرابری در سن جوانی نسبتاً کم است، پس از آن افزایش می‌یابد.
دافی و لی ^۴ (۲۰۱۹)؛ فرناندز-ویلاورد و کروگر ^۵ (۲۰۰۲) و گورینکاس و پارکر (۲۰۰۲)	نمودار مصرفی ادوار زندگی را با استفاده از داده‌های CEX برآورد کردند. در این مطالعات روی معیارهای گوناگون مصرف متمرکز شده‌اند و کالاهای بادوام و بی‌دوام را متفاوت دانستند و کالاهای بادوام، بی‌دوام و کل کالاهای مصرفی را تخمین زدند.	نتایج این مطالعات با نظریه مصرف ادوار زندگی سازگار نیست.
هال و سارجنت (۲۰۱۸) و لوساردی (۱۹۹۶)	تلاش کردند ارتباط میان انواع نظریه‌ها را برقرار سازند و با داده‌های کلان در مورد خانوارها، شواهدی تجربی برای بررسی نظریه فریدمن ارائه دهند.	نتایج حاکی از عدم اثرگذاری سیاست پولی (در بلندمدت) بر اقتصاد حقیقی بوده است.
موسوی (۱۴۰۲)	بررسی تأثیر عادت‌های شکل‌گرفته بر رفتار مصرف‌کننده به تفکیک سه اثر نسل، سن و زمان (سال) با ایجاد یک سری داده‌های شبه‌تربیتی و با استفاده از روش دیتون (۱۹۹۷) پرداختند. بدین منظور، در زمینه نسل‌ها، ۱۴ نسل از ۱۳۰۵ - ۱۳۷۴ و درخصوص زمان (سال)، از ۱۳۶۵ - ۱۳۹۴ (۳۵ سال) و سن افراد نیز در بازه زمانی ۱۶ - ۷۲ سال بررسی شد.	نتایج تحلیل اثرات نسل نشان داد مخارج مصرفی با جوان‌تر شدن نسل‌ها روند افزایشی دارد. به‌طورکلی، تغییر نسل و سن و سیاست‌های اقتصادی (گذر زمان) موجب نشده عادت‌های مصرفی تغییر اساسی کنند؛ لذا عادت‌های مصرفی خانوارهای ایرانی پایدار بود.
مولایی و علی (۱۳۹۹)	رفتار مصرفی خانوارهای ایرانی از قبیل درآمد، نقدینگی و مخارج دولت را با استفاده از روش ARDL به بررسی تأثیر شوک‌های اقتصادی بر مصرف خانوارهای ایرانی طی دوره زمانی ۱۳۵۳ - ۱۳۹۷ پرداختند.	نتایج نشان داد در کوتاه‌مدت و بلندمدت مخارج مصرفی خانوارهای ایرانی رابطه مثبت و معنادار با شوک موقت و دائمی درآمد و شوک دائمی نقدینگی و رابطه منفی و معنادار با شوک دائمی مخارج دولت دارد.
مولایی و علی (۱۳۹۸)	تأثیر شوک‌های درآمدی موقت و دائمی را بر مصرف خانوار ایرانی بررسی کردند.	نتایج مدل برآوردشده اعتبار فرضیه درآمد دائمی ^۶ (PIH) را در ایران تایید می‌کند؛ به‌طوری‌که مصرف خانوار تقریباً کاملاً با شوک‌های دائمی درآمد تبیین می‌شود؛ اما نسبت به شوک‌های موقت حساسیت نشان نمی‌دهد.

منبع: گردآوری محقق

¹ Abbott and Gallipoli² Galli and Rosenblatt-Wisch³ Canton of Bern⁴ Duffy and Li⁵ Fernández-Villaverde and Krueger⁶ Permanent Income Hypothesis

۳. روش تحقیق^۱

در این پژوهش، رفتار مصرف‌کننده‌ای بررسی می‌شود که N دوره زندگی می‌کند و هدفش در دوره $1 \leq t \leq T$ حداکثرسازی مطلوبیت انتظاری تنزیل شده حاصل از مصرف است (T سن بازنشستگی است):

$$\text{Max } E_t[\sum_{t=1}^N \beta^t u(c_t, z_t) + \beta^{N+1} V_{N+1}(W_{N+1})] \quad (1)$$

به طوری که c_t نشان‌دهنده مصرف کل در سن t ، W_t ثروت کل و z_t بردار ویژگی‌های خانوار (نظیر بعد خانوار) است. $\beta = \frac{(1+c_t)^G}{R}$ عامل تنزیل زمانی^۲، R نرخ بهره حقیقی^۳ و V_{N+1} ارزش دارایی‌های مصرف‌کننده پس از مرگ را نشان می‌دهد. اگر درآمد مصرف‌کننده در دوره t برابر Y_t باشد؛ آنگاه قید بودجه پویا از رابطه (۲) به دست می‌آید:

$$W_{t+1} = R(W_t + Y_t - C_t) \quad (2)$$

فرض می‌شود تابع مطلوبیت دارای فرم تابعی با ریسک‌گریزی نسبی ثابت (CRRA)^۴ باشد:

$$u(C, Z) = u(Z) \frac{C^{1-\rho}-1}{1-\rho} \quad (3)$$

به طوری که $\frac{1}{\rho}$ کشش جانشینی بین دوره‌ای مصرف است. حال، اگر در درآمدهای جاری نااطمینانی وجود نداشته باشد با استفاده از رابطه اوایلر می‌توان به قاعده بین دوره‌ای مصرف رسید:

$$\frac{C_{t+1}}{C_t} = \left[R\beta \cdot \frac{u(Z_{t+1})}{u(Z_t)} \right]^{\frac{1}{\rho}} \quad (4)$$

اما، درآمدهای آتی همواره با نااطمینانی مواجه هستند؛ به همین دلیل به پیروی از فریدمن (۱۹۵۷) درآمد جاری به دو مولفه درآمد دائمی (P_t) و درآمد غیرمترقبه (U_t) تفکیک می‌شود:

$$Y_t = P_t U_t \quad (5)$$

$$P_t = G_t P_{t-1} N_t \quad (6)$$

به طوری که شوک گذرا به درآمد دائمی (U_t) دارای توزیع نرمال با میانگین صفر و واریانس σ_U^2 است. به پیروی از کرول (۱۹۹۷)، گرونیکاس و پارکر (۲۰۰۲) و محمدنژاد و همکاران (۱۳۹۹) فرض می‌شود مصرف‌کننده نه ارثی برجای می‌گذارد و نه ارثی می‌برد؛ بدین ترتیب، ثروت فرد تا بازنشستگی را می‌توان ارزش حال تنزیل شده درآمدهای آتی (که به ثروت یا سرمایه انسانی معروف است) دانست:

$$H_T = p_t \left\{ 1 + \frac{G}{R} + \left(\frac{G}{R}\right)^2 + \dots + \left(\frac{G}{R}\right)^T \right\} = p_t \left(\frac{1 - \left(\frac{G}{R}\right)^{T+1}}{1 - \frac{G}{R}} \right) \quad (7)$$

فرض می‌شود که ثروت فرد پس از بازنشستگی ضریبی از درآمد دائمی آخرین دوره کاری باشد: $H_{T+1} = hH_T$. حال اگر میزان پول در دسترسی را که فرد در دوره آتی می‌تواند مصرف کند (X_{t+1}) عایدی بهره‌ای مازاد مصرف دوره

^۱ برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به محمدنژاد (۱۳۹۹) و گرونیکاس و همکاران (۲۰۰۲).

^۲ C_t متوسط نرخ رشد مصرف و G متوسط نرخ رشد درآمد دائمی است که در ادامه معرفی خواهد شد.

^۳ برای کسب نرخ بهره حقیقی از $R = \frac{\sum_{t=T}^T (int_t - infl_t * 100)}{T+1}$ استفاده شده است. int_t نرخ بهره اسمی در زمان t و $infl_t$ نرخ تورم در زمان t است.

^۴ Constant Relative Risk Aversion

^۵ U_t همان شوک گذرا به درآمد دائمی است.

قبل $(R(X_t - C_t))$ به علاوه درآمد آتی (Y_{t+1}) تعریف شود، می‌توان رفتار بهینه مصرف‌کننده در زمان t را به شکل معادله بلمن به صورت زیر نوشت:

$$V_t(X_t, P_t, Z_t) = \max_{\{c_t^T\}} E_t[\sum_{(t=\tau)}^T \beta^{t-\tau} \frac{u(Z_\tau)C_\tau^{1-\rho}}{1-\rho} + \beta^{t-\tau+1} u(Z_{T+1})(X_{T+1} + hP_{T+1})^{1-\rho}] \quad (8)$$

$$s. t: \quad X_{T+1} = \frac{R(X_t - C_t)}{W_{T+1}} + Y_{t+1}$$

با حل مسئله برنامه‌ریزی پویای (۸) به مقادیر بهینه مصرف خانوار i می‌رسیم که سرپرست آن بین ۲۶ - ۶۵ سال سن دارد:

$$C_{i,t} = \left(\frac{v(Z_{i,t})}{v(Z_{i,26})} \right)^{\frac{1}{\rho}} (R\beta)^{\frac{t-26}{\rho}} \left(\prod_{l=27}^t \eta_{i,l}^{\frac{1}{\rho}} \right) C_{26} P_{26} \quad (9)$$

به طوری که اگر $\lambda_{i,a} = \frac{1}{R\beta} \lambda_{i,a-1} \eta_{i,a}$ مطلوبیت نهایی خانوار i در سن t باشد، ضریب این مطلوبیت نهایی است. عبارت اول در رابطه (۹) نشان‌دهنده اثر تغییرات اندازه خانوار بین سنین ۲۶ و t است؛ عبارت دوم اثر تغییرات مطلوبیت نهایی را نشان می‌دهد که به عامل بهره، عامل تنزیل و کشش جانشینی بین دوره‌های مصرف بستگی دارد و عبارت سوم اثر ناطمینانی و پس‌انداز احتیاطی را بر مصرف خانوار نشان می‌دهد. دو عبارت آخر به ترتیب تفاوت‌های موجود در «پول در دسترس» و «درآمد دائمی» در بین خانوارها را تبیین می‌نماید (گرونیکاس و پارکر، ۲۰۰۲).

- داده‌های تحقیق

تنها منبع آماری که می‌توان ارتباط بین مصرف، درآمد و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی خانوارها را بررسی نمود، اطلاعات هزینه و درآمد خانوارهای ایرانی است که سالانه توسط مرکز آمار ایران برای حدود ۱۷ - ۱۹ هزار خانوار منتشر می‌شود. در این مطالعه از نمونه‌گیری سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۹۹ برای ترسیم نمودار مصرف و درآمد خانوارهای ایرانی بهره گرفته شده است.^۱

در این پژوهش، مصرف خانوار از مجموع مخارج مصرفی اعضای خانوار که در بخش‌های سوم تا چهاردهم بودجه خانوار آمده‌اند، به دست آمده است و برای تمیز درآمد دائمی و درآمد گذرا، درآمد کل به دو دسته «درآمد حاصل از کار» و «درآمدهای غیرمترقبه»^۲ تقسیم شده است. درآمد حاصل از کار از بخش اول (درآمد پولی اعضای شاغل خانوار از مشاغل مزد و حقوق‌بگیری) و بخش دوم (درآمد پولی اعضای شاغل خانوار از مشاغل غیرمزد و حقوق‌بگیری) بودجه خانوار استخراج شده است و اطلاعات آماری مربوط به درآمدهای غیرمترقبه از قسمت چهارم

^۱ گفتنی است اطلاعات آماری مربوط به هزینه و درآمد خانوارهای ایرانی به شکل پنل نیست؛ یا به عبارت دیگر، خانواری که در نمونه‌گیری یک سال شرکت می‌کند، لزوماً در نمونه‌گیری سال‌های آتی یا پیشین شرکت نداشته است و نمی‌توان تغییرات در درآمد، مصرف، ابعاد خانوار، تحصیلات و غیره را در گذر زمان دنبال نمود؛ به همین دلیل، تمامی اطلاعات آماری خانوارها طی سال‌های مطالعه یک‌جا (به صورت pooled) لحاظ شده است. هزینه و درآمد خانوارها با توجه به شاخص قیمت مصرف‌کننده برای سال پایه ۱۳۹۵ (۱۰۰=۱۳۹۵) تعدیل شده‌اند.

^۲ این مجموعه از درآمدها شامل حقوق بازنشستگی، حقوق وظیفه و آماده به خدمت، بازخرید خدمت، پاداش بازنشستگی، بن بازنشستگی و نظایر آن، درآمد حاصل از اجاره محل کسب، باغ، زمین، مستغلات، منزل، حق کسب و کار، اموال منقول و غیرمنقول و نظایر آن، درآمد حاصل از حساب پس‌انداز سپرده ثابت، سهام، بیمه و نظایر آن، کمک هزینه تحصیلی، کمک‌های دریافتی خانوار از سازمان‌های اجتماعی و مؤسسات خیریه، درآمد حاصل از محل فروش مصنوعات ساخته‌شده توسط خانوار در خانه و سایر درآمدها و دریافتی‌های انتقالی از خانوارهای دیگر است و به همین دلیل، دارای ماهیتی ناپایدارتر نسبت به درآمدهای حاصل از کار دارد.

(درآمدهای متفرقه خانوار) به دست آمده است. این دو معیار درآمد، اطلاعات متفاوتی از منابع درآمدی خانوارها به دست می‌دهند؛ درآمد حاصل از کار ماهیت پایدارتری دارد که از آن به عنوان یک پراکسی برای درآمد دائمی فریدمن^۱ بهره گرفته می‌شود. به پیروی از گرونیکاس و پارکر (۲۰۰۲) داده‌ها به صورت سرانه (متوسط مقادیر) در جدول (۲) گزارش شده‌اند.^۲

جدول ۲. متوسط مصرف، درآمد و دستمزد در چندک‌های مختلف (میلیون ریال)

چندک (درصد)	مصرف کل		درآمد کل		دستمزد	
	میانگین	کوچکترین مشاهده	میانگین	کوچکترین مشاهده	میانگین	کوچکترین مشاهده
۱	۷/۴۱	۱/۷۵	۱۳/۱	۱	۷	۰/۵۴۰
۵	۱۳/۸	۱/۷۸	۴۰	۱/۹۵	۲۰	۰/۵۴۶
۱۰	۱۹/۴	۱/۹۰	۶۰	۲/۵	۳۶	۰/۷۵۰
۲۵	۳۷/۷	۲/۱۰	۱۰۸	۲/۶	۷۸	۱
۵۰	۷۶/۶	بزرگترین مشاهده	۱۷۲	بزرگترین مشاهده	۱۳۲	بزرگترین مشاهده
۷۵	۱۴۱	۴۴۳۰	۲۶۰	۳۰۰۰	۱۹۷	۱۲۵۰
۹۰	۲۵۲	۵۴۰۰	۳۸۴	۳۰۸۰	۲۷۷	۱۲۶۰
۹۵	۳۸۱	۸۳۱۰	۵۰۰	۳۴۵۰	۳۳۴	۱۶۴۰
۹۹	۹۷۵	۸۷۰۰	۷۵۳	۳۸۰۰	۴۷۶	۱۸۳۰
تعداد مشاهدات			۸۷۴۳۲			

منبع: یافته‌های تحقیق

در این مطالعه وضعیت تحصیلات سرپرست خانوار به سه دسته تقسیم شده است: دسته اول شامل خانوارهایی است که سرپرست آنها دارای تحصیلات ابتدایی و کمتر است؛ دسته دوم شامل خانوارهایی است که سرپرست آنها دارای تحصیلات ثانویه (راهنمایی و دبیرستان) است و دسته سوم شامل خانوارهایی است که سرپرست آنها دارای تحصیلات دانشگاهی است. گروه‌های شغلی نیز به پیروی از مطالعه گرونیکاس و پارکر (۲۰۰۲) به چهار دسته عمده تقسیم شده که در جدول (۳) چگونگی این تقسیم‌بندی آمده است.

^۱ طبق تعریف کرول (۱۹۹۷)، درآمد دائمی متوسط درآمدی است که مصرف‌کننده انتظار دارد، در دوره‌های آتی دریافت نماید؛ به شرط اینکه اتفاق خاصی نیفتد یا به عبارت دیگر، درآمد دائمی متوسط درآمدی است که اگر شوکی وجود نداشته باشد، مصرف‌کننده انتظار دارد، دریافت نماید. بنابراین، برحسب این تعریف درآمدی که پایدارتر است می‌تواند یک پراکسی مناسب برای درآمد دائمی فریدمن باشد.

^۲ برای اینکه نتایج این پژوهش با نتایج مطالعه گرونیکاس و پارکر (۲۰۰۲) قابل مقایسه باشد، یک سری تعدیلات دیگر باید روی مخارج مصرفی صورت پذیرد. گرونیکاس و پارکر (۲۰۰۲) مخارج صرف شده روی تحصیلات و خدمات سلامت را به عنوان سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی در نظر می‌گیرد و به همین دلیل این دسته از مخارج را در محاسبه هزینه خانوارها مدنظر قرار نمی‌دهد. در این بخش از مطالعه علاوه بر تعدیلات گرونیکاس و پارکر (۲۰۰۲) روی مخارج مصرفی، مخارج مصرفی خانوار روی کالاهای بادوام (نظیر خرید یخچال، ماشین لباس شویی، اتومبیل و غیره) نیز از مخارج مصرفی کل کسر شده است؛ زیرا علاوه بر ماهیت عدم تکرارپذیری این سری از مخارج مصرفی در مخارج خانوار در شرایط تورمی ایران مخارج روی کالاهای بادوام نیز می‌تواند نوعی سرمایه‌گذاری محسوب شود و برای مقایسه‌پذیری نتایج این مطالعه با نتایج مطالعه گرونیکاس و پارکر (۲۰۰۲) باید از مخارج مصرفی کل حذف گردند.

جدول ۳. تقسیم‌بندی حرفه شغلی در چهار گروه شغلی عمده

گروه شغلی	درصد از نمونه	حرفه شغلی
الف. حرفه‌های مدیریتی	۳/۲	قانون‌گذاران، مقامات ارشد و مدیران
	۶/۵	افراد حرفه‌ای
ب. تکنسین‌ها و فروشندگان	۱۳/۷	تکنسین‌ها و متخصصان مرتبط
	۱۲/۱	دفتریار
	۶/۰	کارگران خدمات و فروش
ج. اپراتورها و کارگران ماهر	۴/۸	کارگران ماهر کشاورزی و شیلات
	۲۵/۰	کارگران صنایع دستی و مشاغل مرتبط
	۲/۶	اپراتورها و مونتاژگران کارخانه و ماشین‌آلات
	۴/۵	مشاغل ابتدایی
د. کارگران ساده و بی‌کاران	۱۱/۰	سرپرست خانوار از نظر اقتصادی فعال نیست
	۰/۵	نیروهای مسلح

منبع: یافته‌های تحقیق

۴. یافته‌های پژوهش

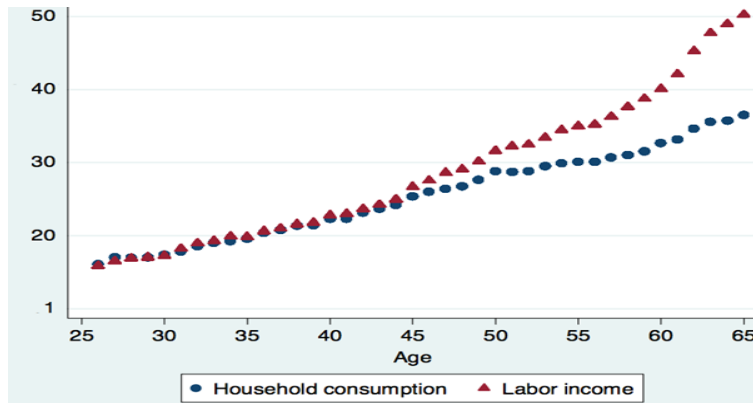
- نمودار درآمد و مصرف در ادوار زندگی

نمودار مصرف و درآمد (نمودار ۱) براساس مدل تجربی تبیین شده در مطالعه گرونیکاس و پارکر (۲۰۰۲) که به اختصار در بخش سوم تبیین گشت، ساخته شده است. با توجه به مطالعه گرونیکاس و پارکر (۲۰۰۲)، اگر نمودار درآمد و مصرف براساس تعدیلات یادشده ساخته شود، این نمودار ترجیحات مصرف‌کننده را منعکس می‌سازد؛ بدین ترتیب، جدایی روند مصرف از درآمد در ۴۵ سالگی تنها نشان‌گر تغییر ترجیحات مصرف‌کننده و انگیزه پس‌انداز است.^۱ براساس نتایج نمودار (۱) برخلاف نتایج مطالعه گرونیکاس و پارکر روند زنگوله‌ای در نمودار مصرف و درآمد خانوارهای ایرانی مشاهده نمی‌شود و نمودار مصرف و درآمد را می‌توان تا ۴۵ سالگی با استفاده از یک تابع خطی تقریب زد؛ به‌همین دلیل، این بخش از نتایج تنها با نسخه CEQ از نظریه مصرف ادوار زندگی تطابق دارد.

براساس نتایج نمودار (۱)، نمودار مصرف تا ۴۵ سالگی از نمودار درآمد تبعیت می‌کند؛ به‌طوری‌که می‌توان گفت نمودار مصرف و درآمد برای سنین زیر ۴۵ سال کاملاً خطی و منطبق بر نظریه CEQ است؛ اما تغییرات مصرف برای سنین بالای ۴۵ سال از الگوی خاصی پیروی نمی‌کند. این حقیقت تجربی منطبق بر نتایج مطالعه گرونیکاس و پارکر (۲۰۰۲) است با این تفاوت که تبعیت نمودار مصرف از درآمد در خانوارهای ایرانی حدود ۱۰ سال بیشتر از نمودار خانوارهای امریکایی به‌طول می‌انجامد. پس‌انداز مثبت در خانوارهای امریکایی حدود ۳۵ سالگی و ۱۰ سال زودتر از

^۱ نتایج مطالعه گرونیکاس و پارکر (۲۰۰۲) نشان می‌دهد پس‌انداز مصرف‌کنندگان در بازه‌های سنی مختلف بنابر انگیزه‌های متفاوتی انجام می‌شود: پس‌انداز در سنین پایین با انگیزه احتیاطی است که در سنین میانی تغییر ماهیت می‌دهد و بیشتر با انگیزه تامین مالی مخارج دوران بازنشستگی صورت می‌پذیرد و پس از دوران بازنشستگی، بیشتر با انگیزه ارثیه‌گذاری انجام می‌شود. نتایج نظرسنجی فدرال زرزو در مورد انگیزه‌های پس‌انداز که در مطالعه کرول و همکاران (۱۹۹۷) گزارش شده نیز موید سه انگیزه یادشده طی ادوار زندگی است.

خانوارهای ایرانی رخ می‌دهد؛ زیرا افراد در اقتصاد امریکا ۱۰ سال زودتر شغل مناسب^۱ خود را می‌یابند و به همین دلیل، ۱۰ سال زودتر شروع به پس‌انداز می‌کنند.



نمودار ۱. مصرف و درآمد خانوار طی ادوار زندگی (میلیون ریال)

منبع: یافته‌های پژوهش

– نمودار مصرف و درآمد در گروه‌های تحصیلی مختلف

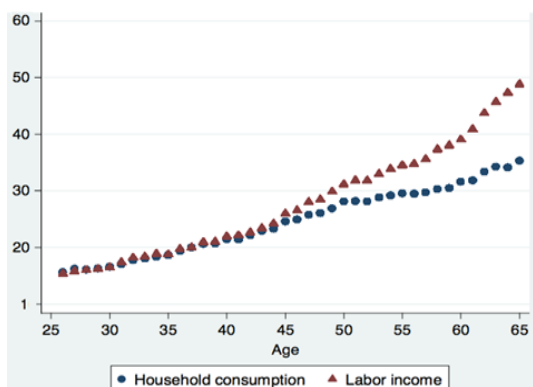
نمودار درآمد و مصرف خانوارهای ایرانی به تفکیک میزان تحصیلات در نمودار (۲) ترسیم شده‌اند. نمودار خانوارهای با تحصیلات ثانوی که در نمودار (۲ ب) ترسیم شده، کاملاً مشابه نمودار نمونه اصلی (نمودار ۱) است؛ زیرا در نمونه اصلی سرپرست اکثر خانوارها دارای تحصیلات ثانوی است. نمودار خانوارهای با تحصیلات ابتدایی و دانشگاهی که به ترتیب، در نمودارهای (۲ الف و ۲ ج) ترسیم شده‌اند، پرنوسان‌تر است؛ زیرا تعداد مشاهدات برای این دو دسته از خانوارها کمتر است.

در دو نمودار (۲ الف و ۲ ج) مصرف در سنین پایین همچنان از درآمد پیروی می‌کند و نقطه انفصال نمودار مصرف از درآمد در خانوارهای دارای تحصیلات ابتدایی و دانشگاهی نسبت به خانوارهای با تحصیلات ثانوی در سنین متفاوتی حادث می‌گردد. در خانوارهای با تحصیلات ثانوی، نقطه انفصال همانند نمونه اصلی در ۴۵ سالگی حادث می‌گردد؛ اما در مورد خانوارهای با تحصیلات ابتدایی و کمتر این نقطه اندکی کمتر از ۴۵ سالگی و برای خانوارهای با تحصیلات دانشگاهی اندکی بیشتر از ۴۵ سالگی (حدود ۵۰ سالگی) است.

مطابق انتظار، خانوارهایی که تحصیلات ابتدایی و کمتر دارند، در سنین پایین و سنین نزدیک به بازنشستگی (۶۵ سال) نمودار مصرف و درآمد پایین‌تری نسبت به خانوارهای با تحصیلات ثانوی دارند. از طرف دیگر، نمودار خانوارهای با تحصیلات دانشگاهی بالاتر از نمودار خانوارهای دارای تحصیلات ثانوی و تحصیلات ابتدایی و کمتر قرار دارد. بدین ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که اثر سن بر نمودار مصرف و درآمد در خانوارهای دارای تحصیلات

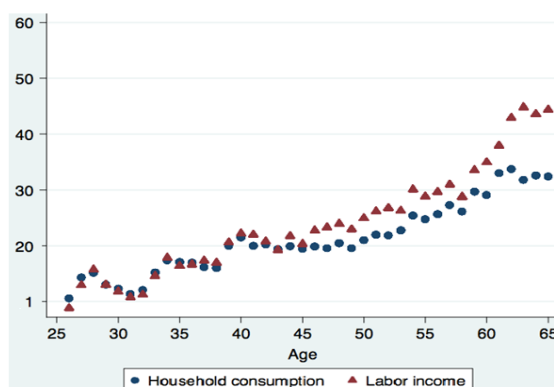
^۱ با توجه به نظریه مصرف مودیگلیانی و برومبرگ (۱۹۵۴) که ادوار زندگی به سه دوره تقسیم می‌شود، افراد در دوره دوم زندگی «به دلیل افزایش تجربه کاری می‌توانند شغل مناسب خود را بیابند» و به همین دلیل می‌توانند درآمدی بیش از نیازهای مصرفی داشته باشند و پس‌انداز در این دوره از زندگی مثبت است. بدین ترتیب، می‌توان گفت دلیل جدایی نمودار مصرف از درآمد که در خانوارهای آمریکایی ۱۰ سال زودتر صورت می‌پذیرد، یافتن شغل مناسب و تجربه کاری است.

ابتدایی بیشتر از سایر خانوارهاست؛ به طوری که سطح مصرف خانوارهای دارای تحصیلات ابتدایی در سن بازنشستگی ۳۰۶ درصد سطح مصرف آنها در سن ۲۶ سالگی است؛ اما در خانوارهای دارای تحصیلات متوسط و دانشگاهی این نسبت تقریباً ۲۲۸ درصد است (در خانوارهای با تحصیلات متوسط ۲۲۹ درصد و در خانوارهای با تحصیلات دانشگاهی ۲۲۶ درصد است).



نمودار ۲-ب- پروفایل درآمد و مصرف در خانوارهای با تحصیلات ثانوی (میلیون ریال)

منبع: یافته‌های پژوهش



نمودار ۲-الف- پروفایل درآمد و مصرف در خانوارهای با تحصیلات ابتدایی و کمتر (میلیون ریال)

منبع: یافته‌های پژوهش



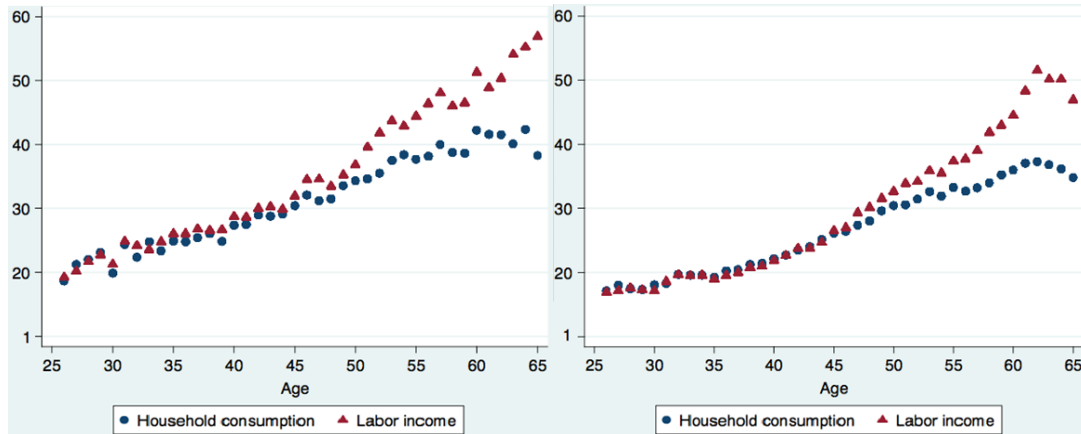
نمودار ۲-ج- پروفایل درآمد و مصرف در خانوارهای با تحصیلات دانشگاهی (میلیون ریال)

منبع: یافته‌های پژوهش

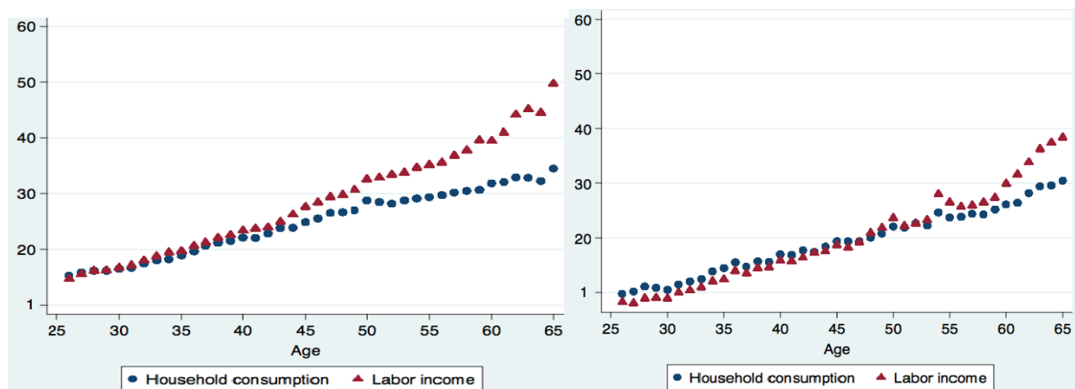
- نمودار درآمد و مصرف ادوار زندگی در حرفه‌های شغلی مختلف

نمودار مصرف و درآمد خانوارهای ایرانی به تفکیک حرفه‌های شغلی در نمودار (۳) گزارش شده است. برحسب انتظار، نمودار مصرف و درآمد در حرفه‌های مدیریتی بالاتر از سایر حرفه‌ها قرار دارد و نمودار مصرف (به‌جز برای کارگران ساده و بی‌کاران) در سنین پایین از نمودار درآمد پیروی می‌کند. نقطه انفصال نمودار مصرف از درآمد نیز در حرفه‌های مختلف، متفاوت است. در نمودار کارگران ساده و بی‌کاران، مصرف خانوار تا ۴۵ سالگی بیشتر از درآمد خانوار است و تنها پس از ۴۵ سالگی مصرف و درآمد الگوی مورد انتظار را نشان می‌دهند. دلیل پایین بودن درآمد از مصرف تا ۴۵ سالگی این است که حداقل نیازهای مصرفی کارگران ساده و بی‌کاران بیش از درآمد آنهاست و این دسته

از خانوارها برای تامین مالی مخارج مصرفی خود به استقراض روی می‌آورند و پس از ۴۵ سالگی درآمد حاصل از کار در این دسته از خانوارها کفاف مخارج مصرفی آنها را می‌دهد.



نمودار ۳. ب. درآمد و مصرف در «تکنسین‌ها و فروشندگان»
 نمودار ۳. الف. درآمد و مصرف در «حرفه‌های مدیریتی»
 منبع: یافته‌های پژوهش



نمودار ۳. د. درآمد و مصرف در «کارگران ساده و بی‌کاران»
 نمودار ۳. ج. درآمد و مصرف در «اوپراتورها و کارگران ماهر»
 منبع: یافته‌های پژوهش

- استخراج نمودار مصرف و درآمد مبتنی بر تعدیلات مختلف

نمودار مصرف و درآمد برای بعد خانوار، گروه تولدی که سرپرست خانوار به آن تعلق دارد و سال جمع‌آوری داده‌ها تعدیل شده بود و همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد، نمودار مصرف و درآمد با این تعدیلات تنها نشان‌دهنده ترجیحات مصرف‌کننده و نااطمینانی درآمد خواهد بود.

طبق نظریه مصرف ادوار زندگی، نمودار مصرف و درآمد زنگوله‌ای شکل هستند؛ اما براساس نتایج گزارش شده در بخش‌های پیشین، نمودار خانوارهای ایرانی پس از تعدیلات مذکور چنین شکلی ندارد و طی ادوار زندگی همواره درحال افزایش است که تفاوت رفتاری مصرف‌کنندگان ایرانی و امریکایی در این عدم تطابق فرم نمودار مصرف و

درآمد نهفته است. در نمودار (۴) نمودار مصرف و درآمد خانوارهای ایرانی به‌ازای تعدیلات مختلف در نمونه اصلی ترسیم شده است.

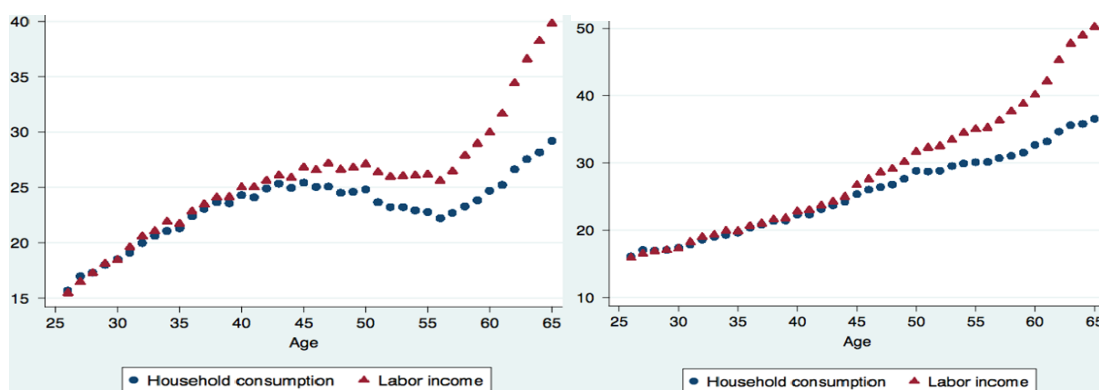


نمودار ۴.الف. بدون تعدیلات

نمودار ۴.ب. تعدیل شده براساس سال جمع‌آوری داده‌ها

منبع: یافته‌های پژوهش

منبع: یافته‌های پژوهش



نمودار ۴.ج. تعدیل شده بر اساس گروه‌های سنی

نمودار ۴.د. تعدیل شده بر اساس بعد خانوار

منبع: یافته‌های پژوهش

منبع: یافته‌های پژوهش

نمودار (۴ الف) نمودار اصلی مصرف و درآمد (بدون تعدیلات) را نشان می‌دهد و نمودار تعدیل‌نشده خانوارهای ایرانی منطبق بر نظریه و مشابه نمودار خانوارهای امریکایی زنگوله‌ای شکل است. نمودار (۴ ب) نمودار مصرف و درآمد را با اضافه کردن متغیر کنترل برای سال جمع‌آوری داده‌ها نشان می‌دهد.^۱ نمودار (۴ ج) نمودار مصرف و درآمد را براساس تعدیلات انجام‌شده روی گروه تولد (با افزودن متغیر گروه تولد به‌عنوان یک متغیر توضیحی) نشان می‌دهد. بر اساس نتایج حاصل از مطالعه گرونی‌کاس و پارکر (۲۰۰۲)، گروه تولد ثروت اولیه خانوارها را تحت تاثیر قرار

^۱ متغیر مربوط به سال جمع‌آوری داده‌ها را نمی‌توان به‌طور مستقیم به‌عنوان یک متغیر توضیحی وارد مدل کرد؛ زیرا با متغیر گروه تولد و سن هم‌خطی کامل دارد (زیرا گروه تولد از تفاضل سال مصاحبه و سن به‌دست آمده است)، به‌همین دلیل، به‌پیروی از گرونی‌کاس و پارکر (۲۰۰۲) برای لحاظ نمودن اثر سال جمع‌آوری داده از متغیر نرخ بی‌کاری استفاده شده است.

می‌دهد که می‌تواند درآمد و مصرف را نیز متاثر سازد.^۱ نمودار مصرف و درآمد با کنترل روی بعد خانوار در نمودار (۴د) ترسیم شده است که بسیار شبیه نمودار (۱) است.

- تفسیر نمودار مصرف و درآمد خانوار ایرانی

رفتار مصرفی خانوار طی ادوار زندگی علاوه بر نمودار مصرف، به موقعیت نسبی نمودار مصرف و درآمد نیز بستگی دارد. چنانچه مشاهده شد، رفتار مصرفی خانوارهای ایرانی در حدود ۴۵ سالگی تغییر می‌کند و پس از این دوره از زندگی است که خانوارها شروع به پس‌انداز (و ثروت‌اندوزی) برای تامین مالی مخارج دوران بازنشستگی می‌نمایند. از این تغییر رفتار خانوارها می‌توان نتیجه گرفت خانوارهایی که تا پیش از ۴۵ سالگی با انگیزه احتیاطی پس‌انداز می‌کردند (رفتار بافراستاک داشتند)، پس از این دوران با انگیزه تامین مالی مخارج دوران بازنشستگی پس‌انداز می‌نمایند که این رفتار همانی است که نظریه CEQ پیش‌بینی می‌کند. آیا چنین تفسیری برای نمودار مصرف و درآمد خانوارهای ایرانی نیز صادق است؟

پاسخ به این سوال بنابر دلایلی که در ادامه ارائه می‌شود، مثبت است. اگر چنانچه ناطمینانی وجود نداشت، خانوارهای ایرانی نیز (همان‌طور که نظریه CEQ پیش‌بینی می‌کند) در اوایل ادوار زندگی برای تامین مالی مخارج مصرفی خود به پشتوانه درآمدهای آتی مطمئن، استقراض می‌نمودند؛ اما حقایق آماری نشان می‌دهد که نمودار مصرف در ایران تا ۴۵ سالگی از نمودار درآمد پیروی می‌کند. دلایل این امر را می‌توان به سه طریق تفسیر کرد.

یکی از این دلایل به محدودیت اعتباری و عدم توانایی خانوارهای ایرانی در استقراض وجوه لازم مربوط است که با توجه به شرایط تورمی اقتصاد ایران امری دور از انتظار نیست؛ زیرا در شرایط تورمی شدید، وام‌دهی امری غیرعقلایی است و اگر فرض شود مصرف‌کنندگان رفتار عقلایی دارند، عمل وام‌دهی صورت نمی‌پذیرد و در نتیجه استقراض نیز محدود می‌شود که در ادبیات اقتصادی به قید نقدینگی (دیتون، ۱۹۹۱) یا محدودیت اعتباری (کیمبال، ۱۹۹۰) مشهور است. دومین دلیل پیروی روند مصرف از درآمد در خانوارهای ایرانی در اوایل زندگی به میزان ناطمینانی «درآمدهای حاصل از کار» مرتبط است. بنابر ماهیت دولتی بودن اکثر شغل‌ها و قوانین حاکم بر میزان دریافتی کارمندان دولت، میزان ناطمینانی درآمدهای حاصل از کار در ایران کمتر از امریکا است که این امر (براساس نتایج مورد انتظار نظریه CEQ که می‌گوید اگر ناطمینانی وجود نداشته باشد، مصرف در ادوار مختلف زندگی یکسان، ثابت و در نتیجه مسطح خواهد بود) به مسطح بودن مصرف تا قبل از ۴۵ سالگی منجر می‌شود. سومین دلیل به کمتر بودن عامل تنزیل β در ایران نسبت به امریکا بستگی دارد. براساس نتایج مطالعه گرونیگاس و پارکر (۲۰۰۲)، فرم تابعی و شکل تبعی نمودار مصرف (علاوه بر میزان ریسک‌گریزی نسبی ρ) نسبت به عامل تنزیل β حساسیت شدیدی دارد و هرچه β کمتر باشد، مصرف مسطح‌تر خواهد بود؛ به عبارت دیگر، اگر عامل تنزیل در جامعه‌ای کمتر باشد، طبق تعریف کیمبال (۱۹۹۰) آن جامعه صبورتر است؛ بدین معنا که اگر آینده برای آنها کاملاً معلوم بود، مصرف حال

^۱ گرونیگاس و پارکر (۲۰۰۲) ادعا می‌کنند که نمودارهای ادوار زندگی نظیر مصرف و درآمد ممکن است برای تمام گروه‌های تولد یکسان نباشد. براساس ادعای گرونیگاس و پارکر، افرادی که در اواخر قرن بیستم به دنیا آمده‌اند، در ۲۶ سالگی دارای ثروت اولیه بیشتر و در نتیجه، درآمد و مصرف بیشتری نسبت به دیگران هستند؛ به همین دلیل، در مطالعه گرونیگاس و پارکر (۲۰۰۲) نمودار مصرف و درآمد در گروه‌های سنی مختلف (با تجزیه اثر ثروت اولیه در ۲۶ سالگی به دو عامل «اثر گروه تولد» و «سایر اثرات فردی») تنها تحت تاثیر درآمد و مصرف اولیه قرار می‌گیرد.

آنها کمتر از آن چیزی می‌شد که در حالت واقعی مصرف می‌کردند و به‌همین دلیل، دارای نمودار مصرف مسطح‌تری بودند.

مسئله دیگر در مورد نااطمینانی درآمدهای آتی این است که اگر درآمدهای آتی نامطمئن باشند، پس‌انداز مصرف‌کنندگان به‌ویژه در اوایل زندگی بنا بر انگیزه احتیاطی خواهد بود. براساس نظریه گرونیکاس و پارکر (۲۰۰۲)، اگر درآمدهای آتی نامطمئن باشند، آنگاه مصرف‌کنندگان رفتار بافراستاک خواهند داشت (یعنی، پس‌انداز آنها بنا بر انگیزه احتیاطی خواهد بود) و حتی اگر واقعا نیاز به استقراض داشته باشند نیز به‌دلیل نامطمئن بودن آینده، استقراض نخواهند کرد (زیرا در مدل بافراستاک فرض می‌شود، فرد نمی‌تواند مقروض بمیرد) که به‌همین دلیل در اوایل زندگی نمودار مصرف کاملا از نمودار درآمد پیروی می‌کند. با بررسی نمودار خانوارهای ایرانی مشخص می‌شود پس از ۴۵ سالگی انگیزه احتیاطی برای پس‌انداز تضعیف می‌شود و با تغییر ترجیحات و نوع نااطمینانی که مصرف‌کننده در ۴۵ سالگی با آن مواجه است، انگیزه «پس‌انداز برای دوران بازنشستگی» تقویت می‌گردد. بنابراین، مشاهده می‌شود با وجود تفاوت‌ها در شکل نمودار مصرف - درآمد خانوارهای ایرانی و امریکایی، تفسیرهای گرونیکاس و پارکر (۲۰۰۲) برای خانوارهای ایرانی نیز صادق است. در ادامه به بررسی و تفسیر روند درآمد و مصرف خانوارهای ایرانی براساس دو نسخه CEQ و بافراستاک از نظریه درآمد دائمی فریدمن پرداخته می‌شود. ابتدا سازگاری نتایج با هر دو نسخه از نظریه درآمد دائمی بررسی می‌گردد؛ سپس علل متفاوت بودن نمودار مصرف و درآمد خانوارهای ایرانی و امریکایی تبیین می‌گردد.

- بررسی سازگاری نتایج با نسخه CEQ از نظریه درآمد دائمی

در نسخه CEQ از نظریه درآمد دائمی، نااطمینانی در مورد درآمدهای آتی وجود ندارد و خانوار از میزان درآمدهای آتی اطمینان کامل دارد. در نسخه CEQ از نظریه درآمد دائمی پیش‌بینی می‌شود نرخ رشد مصرف در تمامی ادوار زندگی (کاری) ثابت باشد و مصرف از درآمد پیروی کند. براساس نمودارهای بخش چهارم مقاله، در تمامی نمودارها تا قبل از ۴۵ سالگی نمودار مصرف و درآمد کاملا از یکدیگر تبعیت می‌کنند؛ بنابراین، نظریه CEQ تا ۴۵ سالگی صادق است و می‌تواند نمودار مصرف و درآمد خانوارهای ایرانی را به‌خوبی توضیح دهد.

با توجه به نمودار مصرف و درآمد خانوارهای ایرانی، خانوارها در اوایل زندگی استقراض نمی‌نمایند (نمودار مصرف بالاتر از نمودار درآمد قرار ندارد) که این مشاهده برخلاف نظریه CEQ و نظریه مصرف ادوار زندگی مودیگلیانی و برومبرگ (۱۹۵۴) است. از این‌رو، می‌توان نتیجه گرفت نظریه CEQ تنها زمانی برقرار است که محدودیت نقدینگی (استقراض) وجود داشته باشد؛ زیرا عدم استقراض در اوایل زندگی تنها در صورت وجود محدودیت‌های نقدینگی قابل توجیه است.

- بررسی سازگاری نتایج با نسخه بافراستاک از نظریه درآمد دائمی

در نسخه بافراستاک از نظریه درآمد دائمی فریدمن، نااطمینانی درآمدهای آتی مدنظر قرار می‌گیرند و نرخ رشد مصرف در ادوار مختلف زندگی ثابت نیست و متناسب با توزیع شوک‌های واردشده تغییر می‌کند. براساس نتایج مطالعه گرونیکاس و پارکر (۲۰۰۲)، اگر نمودار مصرف و درآمد براساس بعد خانوار، گروه تولد و سال جمع‌آوری اطلاعات آماری تعدیل گردد، آنچه از نمودار یادشده باقی می‌ماند منعکس‌کننده ترجیحات و میزان نااطمینانی خواهد بود که

مصرف‌کننده با آن مواجه است. بر این اساس، تغییر رفتار مصرفی خانوارهای ایرانی پس از ۴۵ سالگی نشان‌دهنده تغییر ترجیحات و نااطمینانی درآمدهای آتی است؛ به طوری که نمودار مصرف و درآمد پس از ۴۵ سالگی را تنها می‌توان با مدل‌هایی که نااطمینانی را نیز لحاظ می‌کنند، توضیح داد. نسخه بافراسناک نظریه درآمد دائمی که انگیزه پس‌انداز مصرف‌کننده را یک انگیزه احتیاطی برای هموار کردن مصارف آتی می‌داند برای تبیین این بخش از نمودار خانوارهای ایرانی مناسب است.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

تغییر ترجیحات، وضعیت اقتصادی، تولید کالاهای جدید، پدیدار شدن انواع نااطمینانی‌ها (نظیر نااطمینانی‌هایی که در اقتصاد ایران مشاهده می‌شود)، تغییر توزیع جمعیت جوان و مسن، تغییر سن بازنشستگی (و در نتیجه طول دوره بازنشستگی) و بسیاری از عوامل دیگر به تغییر الگوی رفتاری مصرف‌کنندگان منجر می‌شود و برای سیاست‌گذاری مناسب باید الگوی رفتار مصرف‌کننده مورد بررسی قرار گیرد. با توجه به اینکه حتی وضعیت دموگرافیک و فرهنگی نیز در شکل‌گیری ترجیحات مؤثر هستند، الگوی مصرفی در هر مرز و بومی نیاز به بررسی جداگانه و کالیبره شده با وضعیت اقتصاد آن دارد. بررسی رفتار مصرف‌کننده می‌تواند دید واضح‌تری از چگونگی تأثیر سیاست‌ها بر متغیرهای کلان اقتصادی ارائه نماید.

از مقایسه نمودار خانوارهای ایرانی و امریکایی مشاهده می‌شود متوسط نمودار درآمد ادوار زندگی خانوارهای ایرانی و امریکایی تفاوت معناداری دارند؛ بدین ترتیب که نمودار درآمد خانوارهای امریکایی حتی پس از تعدیل داده‌ها براساس بعد خانوار، سال جمع‌آوری داده‌ها و گروه تولد همچنان زنگوله‌ای شکل است و با نظریه مصرف ادوار زندگی مودیگلیانی و برومبرگ (۱۹۵۴) کاملاً سازگار است؛ اما نمودار خانوارهای ایرانی تنها پیش از تعدیلات مذکور زنگوله‌ای است و پس از انجام تعدیلات روند صعودی پیدا می‌کند. همچنین، نمودار مصرف خانوارهای امریکایی نیز زنگوله‌ای شکل است که این امر به دلیل زنگوله‌ای شکل بودن نمودار درآمد در خانوارهای امریکایی است (گرونیکاس و پارکر، ۲۰۰۲: ۴۹). دلایل احتمالی این امر را می‌توان بررسی نمود.

یکی از علل مشاهده چنین تفاوت‌هایی را می‌توان در ساختار بازار نیروی کار جستجو کرد. مفهوم بازنشستگی در دو کشور متفاوت است؛ بدین ترتیب که در اقتصاد ایران به دلیل ناکافی بودن حقوق بازنشستگی، افراد عمدتاً حتی پس از بازنشستگی نیز در بازار کار مشارکت دارند و همین امر به افزایش عایدی دوران بازنشستگی به میزانی حتی بیشتر از درآمد دوران خدمت منجر می‌شود (نمودار ۵) که همین امر باعث افزایش مصرف می‌گردد. از جمله عوامل دیگری که ممکن است بر تفاوت‌های مذکور در نمودار خانوارهای ایرانی و امریکایی موثر باشد می‌توان به عوامل نهادی، توزیع دستمزدها و قوانین بازنشستگی اشاره کرد. دستمزدهای دریافتی در بخش دولتی اقتصاد ایران عمدتاً بر مبنای سابقه کار است که با نحوه تخصیص دستمزدها در امریکا تفاوت ماهوی دارد.

علاوه بر نمودار درآمد (مسطح بودن نمودار درآمد) می‌توان به دو عامل دیگر در چارچوب نظری گرونیکاس و پارکر (۲۰۰۲) اشاره کرد که می‌توانند علت مسطح بودن نمودار مصرف در ایران (نسبت به نمودار مصرف در امریکا) را توضیح دهند. عامل اول، نااطمینانی درآمدهای آتی است. در ایران به دلیل دولتی بودن اکثر شغل‌ها، درآمدهای آتی با نااطمینانی کمتری مواجه هستند که این امر می‌تواند یکی از علل مسطح بودن نمودار مصرف (حداقل تا ۴۵ سالگی)

در ایران و سازگاری این نمودار با نظریه CEQ باشد (در نظریه CEQ نرخ رشد مصرف همواره ثابت است که این امر به مسطح شدن نمودار مصرف منجر می‌گردد). عامل دوم کمتر بودن عامل تنزیل β در ایران است. مطالعه گرونیکاس و پارکر (۲۰۰۲) نشان می‌دهد نمودار مصرف علاوه بر میزان ریسک‌گریزی نسبی (ρ) به عامل تنزیل β نیز بستگی دارد و هرچه β کمتر باشد (حتی اگر درآمدهای آتی با نااطمینانی مواجه باشند) نمودار مصرف پیش‌بینی شده مسطح‌تر خواهد بود. نتایج مطالعه انواری و همکاران (۲۰۲۲) نشان می‌دهد خانوارهای ایرانی بنابر شرایط تورمی حاکم بر اقتصاد ایران، صبورتر از خانوارهای امریکایی هستند. از نظر کیمبال (۱۹۹۰) «صبور» به خانوارهایی اطلاق می‌شود که اگر آینده برای آنها کاملاً معلوم بود، مصرف اکنون آنها کمتر از آن چیزی می‌شد که در حالت واقعی مصرف می‌کردند و به همین دلیل دارای نمودار مصرف مسطح‌تری بودند.

منابع

- مولایی، محمد و علی، عدی (۱۳۹۸). بررسی اثر شوک‌های اقتصادی بر مصرف خانوارها در ایران: رهیافت تجزیه سری زمانی. *مجله تحقیقات اقتصادی*، ۵۳(۴)، ۹۴۱-۹۷۰.
- محمدنژاد، نیما، عصارای آرانی، عباس، کشاورز حداد، غلامرضا و فرجی دیزجی، سجاد (۱۳۹۸). ارزش آماری زندگی و سرمایه سلامت در ایران. *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، ۲۹(۲۷)، ۱۹۷-۲۲۵.
- موسوی، میرحسین، خجسته، الناز و دهقانی، فرید (۱۴۰۲). شکل‌گیری و پایداری عادت‌های مصرفی در خانوارهای ایران. *فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی*، ۱۷(۶۱)، ۴۸-۶۸.
- Abbott, B. & Gallipoli, G. (2022), Permanent-income inequality. *Quantitative Economics*, 13, 1023-1060. <https://doi.org/10.3982/QE1851>.
- Alexandre, F., Bacão, P., & Portela, M. (2019). *A flatter life-cycle consumption profile*, NIPE Working Paper, No. 01/2019.
- Ameriks, J., Caplin, A., Laufer, S., & Van Nieuwerburgh, S. (2010). *The joy of giving or assisted living*. Using strategic surveys to separate public care aversion from bequest motives. Working paper.
- Anvari, F., Mehrara, M., & Barkhordari, S. (2022). Buffer-stock saving and the marginal propensity to consumption out of human wealth in Iran. *Iranian Economic Review*, 26(2), 255-278.
- Attanasio, O. (1999). *Consumption*. In Taylor, J.B. and Woodford, M. (ed.) handbook of macroeconomics, ed. 1, vol. 1, ch. 11, 741-812, Elsevier.
- Attonasio, O. Browning, M. (1991). Consumption over the Life Cycle and over the Business Cycle. NBER Working Papers from National Bureau of Economic Research, Inc, Pages 25, No 4453.
- Browning, M., & Lusardi, A. (1996). Household saving: Micro theories and macro facts. *Journal of Economic Literature*, 34, 1797 – 1855.
- Campbell, J., & Mankiw, G. (1987). Permanent income, current income, and consumption. *National Bureau of Economic Research*, 25 Jun 2004, Pages 45, pp, No. w2436
- Carroll, Ch. D. (1997). Buffer-stock saving and the life-cycle/permanent income hypothesis. *Quarterly Journal of Economics*, 112(1), 1-55.
- Carroll, C. D., Chipeniuk, K., Tokuka, K., & Wu, W. (2020). *The method of moderation*. John Hopkins University.
- Deaton, A. (1991). Saving and liquidity constraints. *Econometrica, Econometric Society*, 59(5), 1221-1248.
- Deaton, A. (2005). *Franco Modigliani and the life- cycle theory of consumption*. Princeton University; National Bureau of Economic Research (NBER), 12 Apr 2005
- Duffy, J., & Li, Y. (2019). Life-cycle consumption under different income profiles: Evidence and theory. *Journal of Economic Dynamics and Control*, 104, 74-94.
- Fernández-Villaverde, J., & Krueger, D. (2002). *Consumption over the life cycle: Some facts from consumer expenditure survey data*. PIER Working Paper No. 02-044.
- Friedman, M. (1957). *A theory of the consumption function*. Princeton, NJ: Princeton University Press.

- Galli.A and Rosenblatt-Wisch. R, (2022). *Analysing households' consumption and saving patterns using tax data*. Swiss National Bank Working Paper No. 3/2022.
- Gourinchas, P.O., & Parker, J. A. (2002). Consumption over the life cycle. *Econometrica*, 70, 47-89.
- Grant, Ch. (2007). Estimating credit constraints among US households. *Oxford Economic Papers*, 59 (4), 583-605.
- Hall, R., & Sargent, T.J. (2018). short-run and long-run effects of milton friedman's presidential address. *Journal of Economic Perspectives*, 32(1), 121-134.
- Kimball, M.S. (1990). Precautionary saving and the marginal propensity to consume. *Econometrica*, *Econometric Society*, 58(1), 53-73.
- Lusardi, A. (1996). Permanent income, current income and consumption: Evidence from two panel data sets. *Journal of Business and economic Statistics*, 14, 81-90.
- Modigliani, F., & Brumberg, R. H. (1954). *Utility analysis and the consumption function: An interpretation of cross-section data*. In Kenneth K. Kurihara, ed., *Post- Keynesian Economics*, New Brunswick, NJ. Rutgers University Press. Pages 388–436.
- Mok, S. (2010). *Precautionary savings or bequest motives? Evidence from the health spending of the elderly*. University of Wisconsin-Madison Working Paper.
- Muellbauer, J. (2008). *Housing, credit and consumer expenditure*. CEPR discussion papers 6782, C.E.P.R. Discussion Papers.
- Muth. J. F. (1961). Rational expectations and the theory of price movements. *Econometrica*, 29, 315–335.
- Mowlaei, M., & Ali, O. (2019). The effect of the temporary and permanent income shocks to household's consumption in Iran, using Blanchard-Quah method. *Quarterly Journal of Applied Theories of Economics*, 3(3), 93-114.